غیر متقوم بودن مفهوم ظهور به ناظر

شاگرد3: ناظر را نمی‌توانیم حذف کنیم. اگر ناظر را حذف کنیم، در حقیقت حاکم را حذف کرده‌ایم و آن وقت دیگر نمی‌شود حکم کرد.

استاد: چرا نمی‌شود؟ مگر حکم، نفس الامریت ندارد؟!

شاگرد3: خداوند را که دیگر نمی‌توان حذف کرد. یعنی آن موجود برتری که می‌گویند همیشه هست و نمی‌توان از او فارغ شد.

استاد: صحبت سر این است که وقتی می‌گویی‌م ظهور کرد، به این معنا است که «تعیّن من الاطلاق»؛ ناظر باشد یا نباشد. حتی یکی از مشکلاتی که در مباحث عرفان نظری بود، همین بود؛ کاربرد این الفاظ بود. می‌گویند تعین اول، ظهور اول است. بعد می‌گویند یعنی ظهور ذات لذات. و حال آنکه وقتی شما تعین اول می‌گویی‌د، در خود تعین، یک نحو ظهور به این معنایی است که ما می‌گویی‌م. مفهوم تعین، لابشرط از این است که ظهور ذات لذات باشد یا نباشد. در تعیّن - أی ظهر - نخوابیده که «ظهر لله». ولی برای اینکه ظهور را با معنای نسبی هم درست کنیم، می‌گفتیم یعنی «ظهر الذات لذات». و حال آنکه تعین، به این نیازی ندارد. همچنین سائر تعینها.

شاگرد4: در فضای فلسفه وقتی می‌گویند «وجود طاهر بنفسه و مظهر لغیره»، اصالً شرطش این نیست که مُدرِکی باشد.

استاد: شما در جلسه حکمت بارها شنیده‌ای که می‌گویی‌م نور، «ظاهرٌ بذاته و مظهر لغیره»، یعنی لدیان. اما وقتی می‌گویی‌د وجود، «ظاهر بذاته»، فوری ذهن شما نمی‌رود به این سمت که چه کسی دارد وجود را می‌بیند. خداوند می‌بیند؟! اصلاً ارتکازی که در آنجا از ظهور دارید، یعنی همان وجود؛ یعنی ثبوت؛ یعنی تعین خاص و نفس الامریت، نه معلومیت. ولذا در اتحاد عاقل به معقول بود که عرض کردم واژه معقول، خوب نیست. در مقاله اندیشه فرگه هم حرف ما همین بود که چرا می‌گویی اندیشه؟! در این فضا، هر رقم واژه‌ای بیاوری‌م که ناظر و آگاه در آن باشد، یک قیدی به بحث می‌زنی‌م که مستدرک است و نیازی به آن نیست، ولی خب می‌زنی‌م و آن وقت بعداً سبب رفت‌وبرگشت و مغالطات می‌شود. وقتی شما می‌خواهید بگویید تعین اول، یا تعینات اسماء و صفات و مرتبه واحدیت، حتماً نیاز است که ظهور لله را قوام کار در نظر بگیری‌د؟! نه. برای توضیح، اینها را می‌گویی‌م و الا خود تعین، نفس الامریتی پیدا می‌کند لابشرط از ظهور. مگر اینکه آن را جزء معنایش قرار بدهید.

شاگرد4: اینکه فرمودید مستدرک است و نیازی به آن نیست، یعنی زائد و مزاحم است یا فقط نیازی به آن نیست؟

استاد: نیازی به آن نیست. بعضی از جاها در بحث‌ها وقتی از آن سوء استفاده شود، مزاحم می‌شود. الآن در ما نحن فیه می‌خواهیم چکار کنیم؟ می‌خواهیم بگوییم بسیاری از واژه‌ها را به کار می‌بریم که نسبت به ناظر لابشرط است و به شرط ناظر نیست، اما وقتی می‌خواهیم در پایه‌محور حرفش را بزنیم، اگر آن لابشرط را در بحث بیاوریم، رهزن بحث ما می‌شود و بحث ما سر نمی‌رسد. یعنی مقصودی که ما در اینجا داریم، این است که قسمت نبود آن لابشرط ظهور کند. دو عامل هوشمند با هم تاکنش می‌کنند و اصالةً انسان‌ها خبر ندارند تا بخواهند ببینند. بعداً خروجی آن را می‌بینند که یک کاری صورت گرفته است. جلوی آن می‌روید و می‌بینید این عامل هوشمند مصنوعی با آن عامل هوشمند مصنوعی با هوش‌های مصنوعی خود، تاکنش حکیمانه‌ای درست کرده‌اند و نتیجه خیلی خوبی هم داده‌اند و آثارش را هم ما می‌بینیم. ولی ما خبر نداشتیم و اصالةً ناظر نبودیم که بگوییم اینها چکار می‌کنند. درباره چنین چیزی بگوییم نه، حتماً باید کسی باشد و باید فرض بگیریم که خدای متعال هم ناظر کار آن هوش باشد تا آن محقق شود!

عرض من این است که بحث هوش مصنوعی پایه‌محور، به علم خداوند متعال به آن نیازی ندارد. کما اینکه این بحثی که من گفتم، به این صورت است؛ مولکول‌های آب تشکیل می‌شود و قبل از اینکه حیاتی باشد، سیل می‌آید. سیل، آثار دارد. اگر فقط اکسیژن و هیدروژن بود که سیل نمی‌آمد. اگر هیچ حیاتی هم روی کره زمین نیست، این سیلی که آمد، وقتی شما به آن نگاه می‌کنید، می‌گویید باید خدای متعالی را فرض بگیریم که ناظر این سیل است؟! حرفی نیست که خداوند متعال ناظر است، اما خود اصل مفهوم پایه مولکول آب که سیل را راه بیندازد، لابشرط از ناظر و عالم است. ولو ناظر، متعالی و اعلی المتعالی‌ها باشد، او خودش نیازی به این ندارد؛ این مقصود من است.

شاگرد۵: فرمودید موطن خود استلزامات، موطنی در نفس الامر است. اما الآن در این حوزه وجود و عدم مقابلی، حوزه دیگری برای ظهورش ترسیم می‌فرمایید یا نه؟

استاد: یعنی در وجود و عدم مقابلی، موضوع برای وجود مقابلی بشود، نه. این، خلاف فرض ما می‌شود. اما در ظرف وجود و عدم مقابلی، بله. اگر یادتان باشد در یک جلسه صحبت کردیم که بین موضوع وجود و ظرف وجود، تفاوت است. شش رده وجود را فرض گرفتیم. از آنجایی که مفهوم وجود، ظهور می‌کرد؛ از صحیفه سجادیه مرتب می‌آوردیم. حضرت فرمودند «لم تمثل فتکون موجوداً»[1]؛ به این معنا، می‌گویند خداوند موجود نیست. این شروعی بود که بر خلاف تحلیل‌های وجودی که در اصول فلسفه بود، به این صورت تحلیل کردم. از «لم تمثل فتکون موجوداً» تا شش مرحله هم جلو رفتیم. یعنی مراحلی که ذهن از خاستگاه اولیه وجود، جلو می‌رود. در اینجا اگر می‌گوییم ظرف وجود و عدم، به این صورت باشد، نه. اما اگر می‌خواهید بگویید در ظرف وجود، ظهور کرده، نه به‌معنای ظهور مصادق موضوع وجود و عدم مقابلی، بلکه به این معنا که با اینها بر ظرفیت آثار بار می‌شود، یعنی الآن در ظرف وجود و عدم -حتی اگر ما هم نباشیم- ظرفیت، ظهور کرده است. یعنی بر این ظرف و مظروف و نسبت بیرونی که در عالَم اصالةً حیات نیست و در عالم فیزیکی چیزی در چیز دیگری رفته است و آثار دارد و تفاوت‌هایی دارد - آب باشد یا چیز دیگری باشد - آثار فیزیکی‌ای است که بر ظرف و مظروف بار می‌شود؛ بر آن نسبت، دارد آثار بار می‌شود. در ظرف وجود و عدم، ولو متصف به وجود و عدم نیست، آثاری را می‌بینیم که برای ظرفیت است، نه برای نفس «زید» است و نه برای نفس «دار». نه برای نفس ماء است و نه برای نفس سنگی است که مظروف در آن قرار گرفته. آثارش چیست؟ مثلاً می‌بینید یک سنگی که در آن آب قرار بگیرد و در آن جمع شود، وقتی یخ زد، آن سنگ را می‌ترکاند؛ ناظری باشد یا نباشد. چون الآن این آب، مظروف آن ظرف است، در شرائط بعدی وقتی از آن رابطه استفاده شد، اثر فیزیکی دارد و آن سنگ را می‌ترکاند. حال اگر مظروفش نبود، و این آب، مظروف آن سنگ نبود، می‌ترکید؟! یعنی دقیقاً از اینکه این آب در آن هست، ترکید. نه صرف آب بودن، سنگ را ترکاند و نه صرف سنگ بودن، سبب ترکیده شدنش شد، بلکه اینکه این آب، مظروف آن سنگ است، این رابطه، سبب شد که ترکید. الآن می‌بینید

در این‌جا ظهور کرده و دارد بر آن، آثار بار می‌شود. ربطی هم ندارد که ما باشیم و از آب و ظرف، ظرفیت را انتزاع کنیم؛ یعنی بگوییم انتزاعش در ذهن است و اتصافش در خارج است. اتصافش در خارج به این معنا، بله، این آثار بر آن بار می‌شود به نحو پای‌همحور.

شاگرد۵: پس حوزه خاص خودش را دارد؛ همین استلزام و رابطه یک حوزه‌ای دارد.

شاگرد۶: نفس الامریتی دارد.

شاگرد۵: نه، یک نفس الامریتی برای اصل موطن خودش است که آن، غیر از این است. ولی این‌جا برای خودش یک حوزه‌ای دارد.

استاد: یعنی ظهوری می‌کند که یک آثاری بر آن بار می‌شود؛ ما ظهور را منع کردیم.

---

[1] دعای ۴۷ صحیفه سجادیه.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 آوریل 2025 13:50:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2025 14:04:15 توسط ... .